



آمریکا در جلوگیری از افزایش اقتدار و محبوبیت جهانی ایران ناتوان شده است

مدیر بخش خاورمیانه در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا در گزارشی نوشت که تلاشهای سازماندهی شده آمریکا برای جلوگیری از افزایش محبوبیت منطقه‌ای و جهانی ایران با شکست مواجه شده است.

مدیر بخش خاورمیانه در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا در گزارشی نوشت که تلاشهای سازماندهی شده آمریکا برای جلوگیری از افزایش محبوبیت منطقه‌ای و جهانی ایران با شکست مواجه شده است.

به گزارش فارس، "جون آلترمن"، مدیر "برنامه خاورمیانه در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی"، آمریکا، گزارشی را درباره "ارزیابی کشورهای خارجی از قدرت آمریکا" نوشته است که بخش اول آن بشرح زیر است:

از زمان پایان جنگ سرد و در نتیجه پایان تهدیدهای شوروی نسبت به اروپای غربی، معماری امنیتی هیچ‌یک از مناطق دنیا بیش از حوزه خلیج فارس به قدرت آمریکا وابسته نبوده است. تعهد نظامی آمریکا نسبت به خلیج فارس، برای این منطقه جغرافیایی کوچک ضروری است. از آنجا که در حال حاضر این منطقه در دو نقطه درگیر جنگ است، تخمین تعداد نیروهای آمریکایی حاضر در آن کار آسانی نیست. اما طی دودهمه گذشته همواره یک ناو هواپیمابر حامل نیروهای نظامی و هواپیما در حوزه خلیج فارس حضور داشته است.

* صرف یک چهارم بودجه سالانه پنتاگون در خلیج فارس

تخمین میزان هزینه لازم برای مستقر کردن نیروها در منطقه کار آسانی نیست، اما بعضی از اقتصاددانان ارقام تقریباً غیر قابل تصویری را برای هزینه حضور دفاعی آمریکا در خلیج فارس بیان می‌کنند. بر اساس یک تخمین، هزینه سالانه آمریکا در این منطقه در زمان صلح بیش از 44 میلیارد دلار، و بر اساس تخمین تحریک برانگیز دیگر حدود یک چهارم بودجه سالانه پنتاگون، یعنی تقریباً 125 میلیارد دلار در سال است.

هزینه واقعی هرچه باشد، حتی اگر تعهد بلند مدت آمریکا به دفاع از منطقه معنای استقرار چند کشتی و چند هزار نیروی نظامی باشد، حضور آمریکا در خلیج فارس برای این کشور، کشورهای حوزه خلیج فارس، و تمام کشورهایی که نفت و گاز خود را از آن می‌خرند، ضروری است.

از سویی، کشورهای شورایی همکاری خلیج فارس به آمریکا نیاز دارند تا از آنها در برابر ایران، عراق، و دیگر کشورهای عضو شورا حفاظت کند؛ از سویی دیگر قدرتهای پراکنده نظیر چین، هند و ژاپن برای تامین امنیت عبور آزاد نفت از طریق تنگه هرمز، به آمریکا متکی هستند. با افزایش فعالیت‌های ناوگان کوچک نیروی دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس، همه کشورها به آمریکا چشم دوخته اند تا هرگونه تهدید احتمالی را شناسایی و با آن مقابله کند.

بیش از 10 سال است که سیاستگذاران اروپایی بر این عقیده پافشاری می‌کنند که آمریکا باید هسته هرگونه تلاش بین‌المللی برای مقابله با گسترش احتمالی سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران باشد. بنابراین خلیج فارس محل تلاقی حضور چند نیروی مختلف است: قدرت آمریکا، نیروهای ایرانی مخالف آمریکا، حساسیت جهانی، و اتکا بر آمریکا.

- اهمیت قدرت آمریکا

* تاثیر هرگونه افزایش یا کاهش قدرت آمریکا بر خلیج فارس

هرگونه افزایش یا کاهش قابل مشاهده در قدرت آمریکا، بیش از هر نقطه دیگر جهان بر خلیج فارس تاثیر گذار است. ظهور هرگونه نشانه آشکار کاهش قدرت آمریکا، به ایران جسارت می‌بخشد، در نتیجه متحدان آمریکا در منطقه رویه سازش با این کشور را در پیش می‌گیرند؛ ظهور هرگونه نشانه آشکار افزایش قدرت آمریکا عزم متحدان آمریکا را راسخ کرده و موجب بروز رفتارهای غیر ستیزه جویانه تر از جانب ایران می‌شود. اما نتیجه مذاکره با جمعی از رهبران ارشد کشورهای حوزه خلیج فارس در می 2010 و نیز تحقیقات بعدی نشان می‌دهد که قدرت آمریکا تنها یکی از چند عامل مورد ارزیابی این کشورها برای تعیین روابط و شکل دهی رفتارهاست.

مسئله تعهدات، اهداف، و توانایی‌های آمریکا نیز به همین اندازه (اما نه به طور مستقل) اهمیت دارد. این یافته‌ها امکان هرگونه تلاش برای گسترش دیدگاه کشورهای حوزه خلیج فارس از قدرت آمریکا به الگویی جهانی را دشوار می‌سازد، اما نشان می‌دهد که مجموعه عوامل تعیین کننده اصلی همچنان تحت کنترل کامل آمریکا هستند. آمریکا قادر به هدایت دیدگاه جهانی نسبت به کاهش

یا افزایش قدرت خود نیست، اما می‌تواند از طریق مجموعه ناپیوسته‌ای از فعالیتها و بیانیه‌ها دیدگاههای منطقه‌ای نسبت به تعهدات، اهداف، و توانایی‌هایش را شکل دهد.

***جنگ‌ها آمریکا را در منطقه ضعیف‌تر کرده است**

بیشتر کشورهای خلیج فارس نسبت به آمریکا دیدگاه مشترکی دارند: این کشور نسبت به زمان شروع عملیات آزادسازی در عراق ضعیف‌تر شده است. این دیدگاه تا حدودی ناشی از عدم توانایی آمریکا در تأثیرگذاری بر شکل‌گیری آینده عراق و کارآمدی احزاب محلی در متزلزل ساختن نظم مطلوب تحمیلی - و مسلماً بدون دوراندیشی- آمریکا در این کشور است. سران کشورهای خلیج فارس از بیم آنکه هرگونه گفت‌وگو میان ایران و آمریکا ممکن است به بهای حیثیت آنان تمام شود، نسبت به راهبرد گفتگوی بارک اوباما با ایران ابراز نارضایتی می‌کنند. دلیل دیگر وجود دیدگاه بالا، جنگ پایان‌ناپذیر افغانستان است؛ مساله بدهی‌های آمریکا و گمانه زنی در مورد پیش افتادن رئیس‌جمهور آمریکا در اثر گفته‌های نخست وزیر راستگرایی اسرائیل نیز موجب بروز نگرانی‌هایی شده است. در حال حاضر دلایل بسیاری برای ترس از کاهش قدرت آمریکا وجود دارد. قدرت آمریکا به طور کلی کاهش نیافته است، اما درگیری‌های دشوار جاری در عراق و افغانستان در کنار نیاز آمریکا به کناره‌گیری از درگیری‌های بلند مدت در این دو کشور، میزان توان عملیاتی آمریکا در منطقه را به نحو چشمگیری کاهش داده است.

***نظم امنیتی منطقه نتیجه اقدامات آمریکا است**

بر خلاف دیدگاههای ظاهری، همه به خوبی می‌دانند که نظم امنیتی منطقه نتیجه اقدامات آمریکا است و هیچ کشور دیگری به تنهایی یا با کمک کشورهای دیگر نمی‌تواند عملکردی مشابه عملکرد آمریکا در خلیج فارس داشته باشد. درباره آینده نقش آمریکا نگرانی‌هایی وجود دارد، اما در حال حاضر جایگزینی برای بر عهده گرفتن این نقش وجود ندارد. هیچ یک از کشورهای جهان امکانات مالی نظامی و اراده لازم برای محافظت از آنچه را که سرانجام متعلق به تمام کشورهای جهان است، ندارند. کشورهای منطقه خلیج فارس- چه دوست و چه دشمن- سعی می‌کنند به جای حذف نقش آمریکا در منطقه، این نقش را در جهت پیشبرد منافع خود شکل بدهند.

نکته دوم آنکه تفاوت دیدگاهها در منطقه خلیج فارس بسیار زیاد است. این اختلاف دیدگاه نه تنها میان ایران، عراق، و کشورهای همسایه آنها در شورای همکاری خلیج فارس، بلکه در میان کشورهای عضو این شورا نیز قابل مشاهده است. به عنوان مثال، امارات متحده عربی بیش از دیگر همسایگان خود از جانب ایران احساس خطر می‌کند، اما عمان و قطر ظاهراً خواهان مصالحه موقت با ایران هستند. کویت از جانب تمام کشورهای همسایه خود احساس خطر می‌کند، درحالیکه عربستان سعودی برای هدایت کشورهای همسایه خود، به حمایت آمریکا متکی است. تک تک کشورهای منطقه، به این دلیل که آمریکا هر کشور را در مقابل اعمال تجاوزکارانه همسایگانش حفاظت می‌کند، رابطه دو جانبه با آمریکا را مهمترین رابطه خارجی خود به حساب می‌آورند. به همان نسبت در میان "کشورهای خلیج فارس" یا "کشورهای عرب" دیدگاه واحدی نسبت به آمریکا، قدرت آمریکا، یا تعهدات این کشور نسبت به منطقه وجود ندارد. حتی دیدگاههای مردم یک کشور با هم متفاوت است. تمام این کشورها تنها در یک مورد اتفاق نظر دارند: از ابتدای قرن شانزدهم همواره یک ضامن خارجی در منطقه خلیج فارس حضور داشته است؛ حضور این ضامن در حال حاضر نیز ضروری است.

- اهمیت قدرت ایران

*** آل سعود: ایران مشکل همه کشورها است**

به رغم آنچه گفته شد، اصل بنیادین موضع دفاعی تمام کشورهای عرب حوزه خلیج فارس یکسان است: ایران. یکی از اعضای خانواده سلطنتی سعودی به صراحت می‌گوید: "ایران مشکل همه کشورها است." ایران به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور منطقه، با گذشته‌ای شاهنشاهی، بلندپروازی آشکار، و ارتباطات احتمالی با جوامع شیعه پراکنده در حوزه خلیج فارس، همواره باعث نگرانی بوده است. در سال 2007 یکی از مقامات ارشد سلطنتی حوزه خلیج {فارس} هنگام بحث درباره تنشهای میان سنی و شیعه چنین گفت: "این قابل درک نیست. ایرانیان تنها 500 سال شیعه بوده‌اند. اما چند هزاره از پارسی بودنشان می‌گذرد."

***طی دهه گذشته موقعیت منطقه‌ای ایران بهبود یافته است**

دیدگاه دقیق رهبران ایران نسبت به قدرت آمریکا به روشنی قابل درک نیست، چرا که نوشتارهای بسیاری که درباره سیاست خارجی ایران در داخل کشور منتشر شده است، آشکارا اهداف سیاسی، عقیدتی، یا دیپلماتیک را دنبال می‌کند. با این حال، حقیقت آن است که ماهیت ستایش گونه بیشتر تحلیل‌های منتشر شده در ایران، بی اساس نیست. طی دهه گذشته موقعیت منطقه‌ای ایران بهبود یافته است، این امر تا حدودی ناشی از اقدامات آمریکا در زمینه تفویض و عزل از قدرت بعضی از رهبران منطقه و گاه در نقطه مقابل

تلاش‌های هماهنگ آمریکا برای متوقف ساختن این روند رو به رشد بوده است. با توجه به دیدگاه خصمانه حکومت‌های عراق و افغانستان نسبت به ایران، سقوط آنها به همت آمریکا برای جمهوری اسلامی امتیاز بزرگی بود. امروز ایران از سیاست آزادتر حاکم بر عراق و سیاست اندکی محدودتر حاکم بر افغانستان در راه تقویت متحدان و تامین منافع کشور استفاده می‌کند. به علاوه توانایی‌های جنگی غیر متقارن ایران موجب ضعف جایگاه آمریکا در عراق شده است، بدون آنکه هزینه چندان‌ی برای ایران در بر داشته باشد. به علاوه ایران حمایت منطقه‌ای و جهانی چشمگیری به دست آورده است. بر اساس نتایج آخرین نظرسنجی، تعداد عرب‌هایی که نسبت به دستیابی ایران به توانایی تولید سلاح هسته‌ای دیدگاه مثبت دارند و نه منفی، تقریباً سه برابر، و تعداد عرب‌هایی که آمریکا و نه ایران را تهدیدی برای کشور خود می‌دانند، هشت برابر شده است. چنین حمایتی در کشورهای مسلمان نشین خارج از خاورمیانه نظیر پاکستان و اندونزی هم دیده می‌شود. به علاوه، بعضی از متحدین ایران نظیر سید حسن نصرالله رهبر حزب الله، از مورد احترام ترین چهره‌های سیاسی جهان عرب هستند.

* تلاش آمریکا برای جلوگیری از افزایش محبوبیت منطقه‌ای و جهانی ایران با شکست مواجه شده است

در هر حال تلاش‌های سازماندهی شده آمریکا برای جلوگیری از افزایش محبوبیت منطقه‌ای و جهانی ایران با شکست مواجه شده است. برنامه هسته‌ای ایران به رغم تلاش‌های آمریکا به منظور ایجاد ائتلافی هماهنگ با هدف کند کردن روند آن، در حال پیشرفت است و نمایندگان ایران در لبنان و فلسطین نقش اساسی در تعیین سیاست‌های این دو کشور ایفا می‌کنند. ایران نه تنها با کشورهای نظیر ونزوئلا که از لحاظ روابط بین الملل مطرود هستند، بلکه با کشورهای خواهان قدرت نظیر ترکیه و برزیل نیز روابط دوستانه برقرار کرده است.

* سیاست تهدید ایران و منافع آمریکا

همزمان با مراسم معارفه و آغاز به کار باراک اوباما در ژانویه 2009، مقاله‌ای از جانب یکی از هسته‌های متفکر تهران؛ مرکز تحقیقات راهبردی در ایران، منتشر شد. گزارش اگر چه ظاهراً شرح خط مشی سیاسی در واشنگتن بود، اما هدف صریح آن بیانی استدلال مبنی بر مزایای جلب نظر ایران برای آمریکا بود. نویسنده بر شکست تلاش‌های اولیه آمریکا برای شکل بخشیدن به رفتار ایران تاکید کرده و چنین استدلال می‌کند که طولانی شدن روند فعلی خطر فزاینده برخوردی فاجعه آمیز با این کشور را به بار خواهد آورد... استدلال چنین است که اگر آمریکا سیاست قدیمی ارباب و تهدید نسبت به ایران را تغییر داده یا کنار بگذارد، ایران نسبت به منافع آمریکا حساسیت بیشتر، و در راه رسیدن به توافقی درباره اقدامات ایمنی لازم برای برنامه هسته‌ای، همکاری بیشتری نشان خواهد داد. لازمه رسیدن به این هدف به رسمیت شناختن ایران به عنوان تمدنی کهن و عظیم و هم مرتبه با آمریکا و اروپا است.